



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۵/۰۵

مرجان کمال

انکشاف و شورش مسلحانه علیه دولت افغانستان

بعد جیوستراتژی یک خشونت مسلحانه

در افغانستان

نویسنده: مرجان کمال قسمت کوچکی از مطالعاتش برای تیز دکتورای سیاست پولیتیک
مترجم: فریده کمال

قسمت پنجم و ختم

نگهبان خط دیورند کیست؟

قبیله شینواری یک قبیله سرحدی «قوم سرحدی» «qawm – e sarhadi» است که در قاجاق شهرت دارند. تعداد زیادی لابراتوار های تبدیل نمودن و ساختن تریاک در بالای قلمرو شان مشخص گردیده است. بازار غنی خیل و مارکوه بزرگترین مکان یا جای قاجاق اسلحه و مواد مخدر است.

از چهار - پنج سال دولت در کوشش ختم نمودن فعالیت های تبدیل تریاک بوده و لابراتوار های شان را بسته نمود، در نتیجه این اقدامات، فعالیت های تبدیل نمودن و فروش تریاک به صورت عمده در درّه تیراه (Tirah) به طرف دیگر سرحد انتقال نمود، در این درّه شینواری ها نیز زندگی می کنند، همچنان افرادی و مهمند از باشندگان آن جا هستند.

سرحد نه از طرف پاکستان و نه از طرف افغانستان نگاهداری می شود، سران قبائل، ملک ها و تاجران در هر دو طرف سرحد زندگی می کنند. بر علاوه رفت و آمد دوامدار مردم، تعداد زیاد گروه های قبیلوی در هر دو طرف سرحد زندگی دارند (که از آن جمله میتوانیم از قبائل فردی، مهمند و شینواری نامبرد). تمام مردمان فراسرحدی در هر دو طرف سرحد خیلی فعال می باشند، چه در باره تصمیم گیری (بین ملک ها و تاجران در هر دو طرف سرحد) باشد و یا در مورد فعالیت های اقتصادی (تنظیم بازار در هر دو طرف سرحد). مردمان این مناطق کنترل تمام تبادلات غیر رسمی را به صورت تاریخی دارند.

این تبادلات عبارت اند از قاجاق اسلحه و مواد مخدر و همچنین امتعه مصرفی صنعتی که از ممالک آسیایی توريد می گردد. این مواد از راه پوسته سرحدی تورخم به داخل خاک افغانستان میگردد و فکر می شود، که دولت کنترل این منطقه را نداشته و جای خود را برای قدرت های غیر رسمی رها نموده است.

گفتگو با یک تن از اهالی:

«رئیس جمهور کرزی فکر می کند که سرحد توسط قوای پولیس سرحدی که در آنجا مستقر است نگاهداری می شود، این قوای سرحدی شامل ۱۴۵۰۰ نفر می باشد، برای نگاهداری تمام سرحدات که از ننگرهار تا به نورستان می رسد، این قوا، مسلح با ماشیندار های کلشنیکوف بلغاریایی است، که بعد از یک مراتبه فیر از کار می افتد، آیا همراهی همین اسلحه می تواند سرحدات را از پاکستانی ها و القاعده نگاهداری کند؟ نخیر! تاریخ نشان داده است که سرحدات توسط اهالی منطقه که همه شان مسلح اند، نگاهداری می شود. خارجی ها که به حیث مشاور در وزارت امور داخله ایفای وظیفه می کنند به حقایق متوجه نیستند. اطلاعات و معلومات خارجی ها امکان دارد از طریق نظارت ستلایت خوب باشد مگر قابلیت جمع آوری اطلاعات شان صفر است. اطلاعات خود را از معلوماتی که توسط مردم بیچاره به قیمت صد دالر خریداری می کنند قابل اعتماد نیست. نگهبانان سرحدی نه چورلکی و نه اسلحه ثقیله دارند، در حالیکه طرف مقابل خوب مسلح هستند. ما می دانیم که امریکائی ها سالانه یک میلیارد دالر برای پاکستانی ها جهت نگاهداری سرحد می دهند (تاریخ نشر قبلی این مقاله ذکر شود) ، اما دانسته نشده که بودجه دولت افغانستان برای این کار چند است؟ وعده پول زیاد را می دهند، مگر نصف آن برای عساکر خود شان و کمپنی های امنیتی شخصی امریکائی به مصرف می رسد. اگر پولیس سرحدی را ببینی، برای شان آفرین می گویی، آفرین به خاطر اینکه قناعت کرده، در همان جا مانده، چرس خود را کشیده و از تیر شدن هر خر ده افغانی و از هر آدم نیز ده افغانی می گیرند.»

در کنترل مناطق فراسرحدی (Transfrontaliers) سه پدیده به مشاهده می رسد:

- کنترل واقعی سرحد و اگذار شده به نفع «تجاران» یا قاچاقبران به دلیل مالی و به دلیل ناپایدار بودن و نا توانائی دولت افغانستان.

- اهالی منطقه قبائلی که در این قلمرو زندگی می کنند برای شان مشروعیت برای امنیت سرحدات از نظر تاریخی و اقتصادی داده شده است.

- دولت افغانستان مسؤولیت شناختن خط دیورند را دارد، شناختن این خط برایش یک ننگ است که سبب تقسیم پشتون ها شود.

آبرو و ارزش احساسی و عاطفی آن در مشکل شناختن خط دیورند ، نشان دهنده دو نقطه مهم می باشد:

یکی عزت و آبرو و دومی نقطه احساساتی.

شناسائی خط دیورند صدمه به دو طبقه می رساند، یکی آن هایی که تعداد شان محدود است و زیادتز منافع خود را در خطر می بینند، و دیگر گروپ پشتون ها که همه به دو طرف سرحد، بالای خاک خود زندگی دارند.

در این صورت سوال شناختن خط دیورند ارتباط به تمام نفوس افغانستان و تمام افغان ها می گیرد.

عکس العمل مردم شینوار در موردی سوالی که در باره نصب نمودن سیم خاردار توسط اردوی پاکستان پرسیده شد، جواب به قرار گفتار یک عسکر سابقه شینواری دوران کمونیست ها در این مورد چنین می باشد:

موضوع سرحد و نصب نمودن سیم خاردار تنها مربوط به قوم شینوار نبوده بلکه ارتباط به تمام ملت افغان دارد و دولت افغانستان مجبور است که برای شناختن آن مخالفت نشان بدهد.

جواب دولت افغانستان:

مبارزه علیه دشمن ملت افغان:

از سال ۲۰۰۴ حامد کرزی کوشش زیاد کرد تا مخالفین مسلح را با دولت مرکزی پیوست دهد. این سیاست باز نمودن مذاکره وقتاً فوقتاً توسط درخواست ادغام شان به دولت صورت گرفته و برای توجیه دادن به این سیاست خود، یک تیوری، را به کار

می برد که طالب های افغان توسط عناصر خارجی که از حمایت پاکستان برخوردار هستند، بازی خورده اند و باید به پروسه احیای مجدد بپیوندند. و بر علاوه این پروسه باز نمودن مذاکره همراهی شورشیان، بعد از سال های ۲۰۰۳ - ۲۰۰۴ توسط اعلان کردن آزادی بندی های طالب ها و باز نمودن در گفت و گوی با قوماندان های طالبان همراه بود.

در ماه می ۲۰۰۵ یک کمیسیون تحکیم صلح را ایجاد کرد و ریاست آن را به یک شخصیت محترم و روحانی، شخص حضرت صاحب پیر صبغت الله مجددی، که رئیس دولت موقت در وقت سقوط رژیم کمونیستی نجیب در سال ۱۹۹۲ بودند، برای شان این وظیفه داده شد، که پروسه مدغم شدن طالب های که می خواهند به دولت بپیوندند، نهادینه سازد. معلومات در باره فعالیت این کمیسیون که وظیفه اساسی آن استقبال کردن از جنگجویان طالب های افغان که از ارتباط با گروپ های مسلح پشیمان اند و آرزو دارند راه صلح و بازسازی را اختیار کنند، بسیار کم است.

این اظهارات که توسط رئیس دولت وقتاً فوقتاً تکرار می شود. یک مراتبه در ماه می ۲۰۰۷ دوباره استدلال خود را از سر گرفته و مشخصاً قرار عادت همیشگی اش چنین اظهار نمود:

تمام طالب های افغان با یک جا شدن با ملت خویش خوش آمدند، اگر راه آبادانی را در پیش گرفته اند. و از آن ها التماس کرد که بازی دشمن ملت را نخورید.

حامد کرزی پاکستان را مسئول بدبختی افغان ها دانسته و علاوه نمود که این یک دسیسه پنجابی ها بر علیه پشتون ها می باشد. به قرار گفته حامد کرزی که دختران پنجابی به مکتب می روند در حالیکه سویه انکشاف زیر بنا های عامه به صورت عمومی در سرحد شمال غرب پاکستان (NWFP) بسیار پائین است. و بر علاوه باز هم به قرار گفتار حامد کرزی که همین پنجابی ها باعث می شوند که افغان ها از رفتن دختران شان به مکتب جلوگیری کنند و درخواست سوختاندن مکاتبی دختران را در افغانستان می نمایند. «کسانیکه رفتن دختران را به مکتب رد می کنند دشمن این خاک هستند، من می توانم اولاد های این خاک (اشاره به طالب ها) را عفو نمایم که بیایند و خاک خود را آباد سازند، من می خواهم که هموطنانی که در خارج از وطن زندگی می کنند در آبادی وطن اشتراک نمایند. من برای ملا عمر گفتم، اعمال تو ظلم است، اگر تو خاموش باشی و پا فشاری کنی، خداوند به کمک تو بیاید.»

این خواست رئیس دولت بر این است که طالب های که شایسته عفو است از طالب های که زیر تأثیر پنجابی ها اند فرق گردند. حامد کرزی پاکستان را مسئول خراب شدن اوضاع امنیتی در افغانستان می داند. با بلند رفتن خشونت های مسلحانه در افغانستان، ناخشنودی و نا رضایتی مردم زیاد گردیده و دلیل آن را غلطی ها و اشتباهات دولت و قوای مسلح خارجی می داند.

سخنرانی رئیس دولت حامد کرزی که به اشتباه و غلطی امریکائی ها در ولایت هرات در ماه می ۲۰۰۷ رفرنس داده شده است، طبق معمول همیشه سخنرانی رئیس دولت به فارسی و به پشتو می باشد:

«من می خواهم در مورد مشکلاتی که در ولسوالی شیندند به وقوع پیوست با شما صحبت کنم، برای رئیس امنیت ملی، وزیر دفاع و وزیر داخله مسئولیت داده شد تا از تلاشی خانه ها توسط قوای ائتلاف به صورت نا بجا جلوگیری کنند، قدرت های بیرونی مثل یک دوا است که قدرت می دهد، انسان چه خوش شی بیا زوروره شی، و به زندگی خود به عوض جنگ و ناآرامی فکر بهتر می نماید.»

گفتار حامد کرزی نشان دهنده این است که تمام قوت خود را برای اصلاح ادارات بکار خواهد انداخت و به صورت غیر مستقیم اشاره به فساد اداری می کند.

بعداً ارقامی در مورد بودجه دولت و تقسیم بودجه بین پارلمان و وزرا می دهد.

خطاب به حاضرین که در آن مجلس جهت شنیدن گفتارش جمع شده بودند، و طبق معمول در تمامی جلسات تلویزیونی، چنین ختم نمود:

چه باید کرد؟ لازم می بینید که من به ولسی جرگه بروم و از آن ها خواهش کنم، که خارجی ها را از وطن بیرون کنیم و یا فکر می کنید که باشند؟ من برای این مملکت دعا می کنم که خداوند تمام فامیل های ما را از فاجعه و حوادث ناگوار حفظ کند.

نتیجه گیری:

نوعیت نا آرامی های مسلحانه در افغانستان از زمان مداخله قوای امریکائی در اکتوبر ۲۰۰۱ و به راه انداختن عملیات آزادی دوامدار (Enduring Freedom) تغییر نمود. امروز تبدیل گردیده به یک جنگ مسلحانه که شورشیان علیه یک دولت که از حمایت عام و تام جامعه بین المللی بعد از امضاء قرارداد بُن در جنوری ۲۰۰۲ مستفید گردیده اند.

شورشیان در بالای یک فضای که از نظر سیاسی - اجتماعی به پارچه ها تقسیم گردیده عمل می کنند. از سال ۲۰۰۵ کوشش دارند تا جنگ را در تمام مملکت متجانس ساخته و بالای اکثریت مناطق فعالیت های خود را هماهنگی بدهند. از سوی دیگر کنترل شان بالای تمام قلمرو نسبت به دولت زیاد گردید.

در انکشاف شورش دینامیک فراملتی (عبور و مرور و انتشار اخبار و خطابه و انتقال تخنیک و اشخاص و افراد) تعیین کننده می باشد.

پیامد ها و عواقب انکشاف شورش دو نوع است، و ارتباط می گیرد:

- یکی به ماهیت و عملکرد قدرت های محلی حاضر در محل
- و دیگر آن به اندازه عمل کرد اهالی محل
به مشاهده می رسد که گرایش مردم یا به بیطرفی است و یا اینکه از قدرت های محلی به نفع مخالفین رو گشته اند.
تجاران و ملک ها، این دو کتگوری زیادتر برای نگهداری منافع شان در محلات شان عمل نموده، و عموماً رفتار گنگ، مبهم و دو گانه اختیار می کنند با وجودی که نماینده قریه یا قبیله شان در نزد دولت هستند.
ملک هایی که با دولت و قوای بین المللی معامله می کنند مورد حملات شورشیان مسلح قرار می گیرند (ولایات هلمند و اروزگان).

ملک ها دارای اقتدار نزد مردم اند، و یک نقطه اتصال فعالیت تجاران و قاچاقبران در سطح محل می باشند (ننگرها).
محدودیت در فعالیت اهالی به نسبت زیاد شدن شدت حملات (بمباردمان های هوایی، زیاد شدن حملات انتحاری و انفجاری در بازار ها و شهرهایی که در نزدیکی ولسوالی هایی که در کنترل طالب ها قرار دارد، مانند کردیز، خوست، لشکرگاه، قندهار، ترین کوت). و این بلند رفتن فعالیت و بلند رفتن خشونت ها سبب بیجا شدن اهالی در منطقه می گردد.

در گفت و شنود همراه اهالی، مردم تمامی طرف های سیاسی را بدون تفاوت بین شان، رد می کنند.
بالاخره سوال ساختن دولت - ملت در پروسه بلند رفتن خشونت های شورشیان علیه دولت رول مهم را بازی می کند. و نظر به تمام تحلیل ها اهمیت دولت - ملت یک پدیده بلند رفتن شورش مسلحانه در افغانستان است.



از تمام هموطنان محترم و نویسندگان و قلم به دستان ویب سایت وزین آریانا افغانستان خواهشمندم تا به بزرگواری خود از کمبودی ها و نواقصی که در ترجمه مضامین یک دانه من موجود است مرا عفو نمایند. مضامین مرجان عزیزم به یک فرانسوی خیلی ها مشکل، تخنیک و سیانتیفیک نوشته شده است. من با تمام قوا و با تمام درد و الم کوشش نمودم تا مفهوم را با امانت داری، به صورت بسیار ساده افاده نمایم. یگانه آرزویم از ترجمه آثارش جاودان ساختن نام مرجان است.

مرجان نوشته های زیاد دارد، و یک افغانستان شناس و محقق وطن خود بود اگر بخت بدم به من یاری کرد، کتاب و رساله هایش را چاپ خواهم کرد. با عرض حرمت به همه شما. فریده نوری.

تصاویری چند از مرجان کمال در قندهار

